

تبیین شباهت های ساختاری نقاشی خودآموختگان با نقاشی کودکان

بر اساس رویکرد روانشناختی

Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach

Marjan Mortazavi

Ph.D. Candidate of Art Research, Alzahra University, Tehran, Iran.

Dr. Zahra Pakzad*

Assistant Professor of Art Faculty, Alzahra University, Tehran, Iran.

z.pakzad@alzahra.ac.ir

Dr. Mansour Hessami Kermani

Associate Professor of Art Faculty, Alzahra University, Tehran, Iran.

مرجان مرتضوی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

دکتر زهرا پاکزاد (نویسنده مسئول)

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

دکتر منصور حسامی کرمانی

دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

Abstract

People who do not have formal art education spontaneously create works that, despite their uniqueness, are very similar to each other. These similarities can be seen most of all in the paintings of children and self-taught artists, which can indicate the common psychological roots of their creators. The question is, "In what ways and to what extent are the paintings of children and the self-taught similar to each other?" And "How can be explained the cause of these similarities?". The purpose of this study is to explain the reasons for these structural similarities with a psychological approach. This is proof that the stages of human development are not linear, but circular, and the beginning of painting in old age can be considered a manifestation of Neoteny, which revives the enthusiasm of childhood and the curiosity of that period in the person. This study is qualitative research that has been done in a descriptive-analytical method and its information has been collected by the library method and field research.

Keywords: children's painting, self-taught artist, intellectual realism, structural similarities, neoteny

چکیده

افرادی که فاقد آموزش های رسمی هنر هستند به گونه ای خودانگیزخته دست به آفرینش زده و آثاری خلق می کنند که با وجود منحصر به فرد بودنشان شباهت های زیادی به یکدیگر دارند. این شباهت ها را بیش از همه می توان در نقاشی های کودکان و خودآموختگان مشاهده کرد که می توانند نشان دهنده ی ریشه های روانشناختی مشترک آفرینندگان آن ها باشند. پرسش این جاست که «نقاشی کودکان و خودآموختگان از چه جنبه هایی و تا چه اندازه به یکدیگر شباهت دارند؟» و «علت بروز این شباهت ها را چگونه می توان تبیین نمود؟» هدف این پژوهش تبیین دلایل بروز این شباهت های ساختاری با رویکردی روانشناختی است که پس از بررسی و تحلیل آثار هر گروه مشخص می شود که دو عامل اصلی، یعنی عدم آموزش های رسمی و پرداخت ذهنی به موضوع، باعث شباهت آن ها شده و خود دلیلی است بر این امر که مراحل رشد انسان خطی نبوده، بلکه دایره وار است و آغاز نقاشی در دوران سالخوردگی را می توان نمودی از نئوتنی دانست که شور و شوق دوران کودکی و حس کنجکاوانه ی آن دوران دوباره در فرد زنده می شود. پژوهش پیش رو از جمله پژوهش های کیفی است که به صورت توصیفی- تحلیلی و به شیوه ی کتابخانه های و میدانی انجام شده است.

واژه های کلیدی: نقاشی کودکان، نقاشی خودآموختگان، واقع گرایی

فکری، شباهت های ساختاری، نئوتنی.

ویرایش نهایی: بهمن ۹۹

پذیرش: مهر ۹۹

دریافت: مهر ۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

نقاشی هنگامی که فارق از هر گونه آموزش تعریف شده صورت گیرد، ارتباط مستقیمی با سرشت انسانی دارد و به نوعی زبان روح آدمی است که می توان از طریق آن پی به روحیات و اندیشه های فرد برد. این نقاشی ها با این که هر کدام ویژگی های منحصر به فرد خود را دارند، اما از جنبه های بسیاری به یکدیگر شباهت دارند. مطالعه ی نقاشی کودکان و خودآموختگان حاکی از این است که این آثار بیشترین شباهت

Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach

را به یکدیگر دارند که علاوه بر خلوص و صداقت موجود در این نقاشی ها، سادگی شکل ها و استفاده از رنگ های خالص و درخشان را نیز به عنوان ویژگی های بارز این آثار بیان کرده اند، اما هیچ کدام به صورت دقیق این شباهت ها را از یکدیگر تفکیک نکرده و از همه مهم تر هیچ یک از پژوهش های پیشین عنوان نکرده اند که علت این شباهت ها در چیست و چگونه ممکن است ذهن یک کودک با یک فرد سالخورده در هنگام نقاشی عملکرد یکسانی داشته باشند. هدف از این پژوهش مشخص ساختن شباهت های ساختاری و تبیین دلایل این شباهت ها است. پرسشهای مطرح شده عبارتند از این که: نقاشی کودکان و خودآموختگان از چه جنبه هایی و تا چه اندازه به یکدیگر شباهت دارند؟ و علت بروز این شباهت ها را چگونه می توان تبیین نمود؟

راجر کاردینال^۱، پژوهشگر در زمینه ی هنر افراد آموزش ندیده و ابداع کننده ی اصطلاح «هنر بیرونی»^۲، بر این عقیده است که ارتباط صمیمی و نزدیکی که میان آثار افراد آموزش ندیده و بیننده بوجود می آید، ناشی از نمایش جهان خصوصی و تخیلات فرد است که بیننده را جادو کرده و او را با خود به سفر در این دنیا های تخیلی می برد. «ما در موقعیتی قرار داریم که نگهدارنده ی تجربه ی عمیق «دیگری» هستیم در شکلی اغواگر که لذتی بی نظیر به ما می بخشد. در این جا هنر به عنوان مکملی جانبی برای تجربه ی بشری نیست، بلکه رسانه ای ممتاز از ارتباط بشری است» (کاردینال، ۲۰۰۹، ص. ۱۴۶۶). بر این اساس ما در مواجهه با نقاشی کودکان و خودآموختگان با آثاری رو به رو هستیم که در عین سادگی، عمیق و پر معنا هستند و به دلیل ارتباط بی واسطه ی آن ها در پرداختن به موضوع است که گویی از یک اسلوب پیروی می کنند.

تا کنون پژوهش های بسیاری در زمینه ی هنر کودکان انجام شده و هر یک بر جنبه های مختلفی تأکید داشته اند. از میان این پژوهش ها کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن» (فراری^۳، ۲۰۱۲)، «مقدمه ای بر روانشناسی نقاشی کودکان» (توماس و سیلک^۴، ۱۹۹۰) و «نقاشی کودکان» (وزیرنیا و گنجی، ۱۳۸۰) را می توان نام برد که با توجه به مراحل رشد کودک، روند تکاملی این نقاشی ها را شرح داده و به جنبه های روانشناسانه ی آن اشاره کرده اند.

بر خلاف نقاشی کودکان پژوهش های اندکی در زمینه ی نقاشی خودآموختگان در ایران انجام شده و تنها کتابی که می توان از آن نام برد «هنر خودآموختگان، هنر فطری» (یاسینی، ۱۳۹۵) است و تعداد انگشت شماری پایان نامه با عنوان «بررسی هنر خام و زیر مجموعه های آن (هنر بدوی، هنر عامیانه، هنر کودکان...» به همراه گزیده ای از آثار هنرمندان خود آموخته ایرانی» (طهماسبی، ۱۳۹۵)، «تحلیل آثار هنرهای تجسمی هنرمندان عضو انجمن هنرمندان خودآموخته ی ایران» (تقی پور، ۱۳۹۴)، «بررسی نقاشی های مکرمه قنبری بر اساس روش آیکونولوژی اروین پانوفسکی» (میرزایی، ۱۳۹۳)، «مطالعه ی تحلیلی آثار نقاشی هنرمندان خودآموخته ی معاصر ایران (مطالعه ی موردی: مکرمه قنبری و کنیز عباس پناه)» (فاطمه محمدی، ۱۳۹۲) و «بررسی آثار خانم مکرمه قنبری از دیدگاه تصویرسازی» (داغمه چی، ۱۳۹۰). پایان نامه ی «کشف و تبیین ویژگی های مشترک آثار نگارگری ایرانی و نقاشی کودکان» (حسین نژاد، ۱۳۹۱) تنها پژوهشی است که بر جنبه های مشترک میان نقاشی کودکان و نگارگران پرداخته است و بیشتر بر جنبه ی تخیل موجود در این آثار تأکید دارد.

تفاوت پژوهش پیش رو با سایر پژوهش های انجام شده در این است که دامنه ی کار خود را تنها متمرکز به نقاشی کودکان یا خودآموختگان نکرده و با مقایسه ی ویژگی های مشترک ساختاری آثار آن ها سعی در یافتن دلایل بروز این ویژگی ها در نقاشی خودآموختگان در دوران سالخوردگی دارد.

روش

پژوهش پیش رو پژوهشی کیفی است که به روش توصیفی- تحلیلی با مقایسه ی نقاشی های کودکان و خودآموختگان انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات به شیوه ی کتابخانه ای و میدانی با ابزار فیش برداری و مشاهده صورت گرفته است. جامعه ی آماری این پژوهش را ۱۲۰ اثر از نقاشی های کودکان و خودآموختگان ایرانی تشکیل می دهند که از میان نقاشی های کودکان ۶ تا ۱۰ ساله که در مراکز فرهنگی کانون پرورش فکری بین سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ فعالیت داشته اند و خودآموختگان عضو انجمن هنرمندان خودآموخته ی ایران، به روش هدفمند تعداد ۳۸ نمونه از هر گروه و در مجموع ۷۶ نقاشی مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است در مراکز

1. Roger Cardinal

2. Outsider Art

3. A.O Ferraris

4. Thomas & Silk

فرهنگی کانون پرورش فکری، آموزش به شیوه‌های نوین و با آزاد گذاشتن کودکان در به تصویر کشیدن موضوعات مورد نظرشان صورت گرفته و هیچگونه آموزش سنتی بر پایه‌ی واقع‌نمایی از جمله اصول عمق‌نمایی و سایه‌روشن به کودکان داده نشده است، و مربیان تنها نقش هدایتگر را دارند، بنابر این نتیجه‌ی کار این کودکان با اهداف پژوهشگران مطابقت داشته‌اند. از این جهت که این پژوهش کیفی است، نمودارهای ارائه شده تنها برای مشخص کردن میزان این شباهت‌های موجود بوده و جنبه‌ی آماری ندارند و رسم نمودارها در نرم‌افزار اکسل^۱ انجام شده است.

یافته‌ها

به منظور بررسی شباهت‌های موجود در نقاشی‌های کودکان و خودآموختگان، ابتدا لازم است تا نگاهی بیاندازیم به نقاشی کودکان و مراحل تکاملی آن. «بررسی‌ها در زمینه‌ی نقاشی کودکان نشان می‌دهد که در این نقاشی‌ها از خط خطی‌های ساده گرفته تا پیچیده، یک مبانی بنیادی و مشترک وجود دارد که در نقاشی‌های تمام کودکان دنیا به صورت یکسان دیده می‌شود» (فراری، ۲۰۱۲، ص. ۱۹). «هنر کودک، در برابر هنر عقل‌آفرید قرار می‌گیرد. هنر عقل‌آفرید، اثری است که بر پایه‌ی عقلانیت و باورها یا دانسته‌ها شکل گرفته، نه بر پایه‌ی دریافت‌ها و تجربیات حاصل از حواس که هنرهای انتزاعی و آثار هنری بدویان و نقاشی کودکان حاصل آن هستند» (مرزبان، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۴). بر اساس تحقیق‌های پژوهشگران نگرش‌های مختلفی در زمینه‌ی نقاشی کودکان بسط پیدا کرده است که به طور خلاصه می‌توان آن‌ها را در چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

- ۱- نگرش‌های هنرمندانه که بر اهمیت بیان آزادانه و خودانگیخته‌ی خویشتن در نقاشی تأکید دارند.
 - ۲- نگرش‌های بالینی یا فرافکنانه که نقاشی را بیان مستقیم حالت‌های هیجانی می‌دانند.
 - ۳- نگرش‌های فرآیندی که تمرکز خود را بر اهمیت فرآیندهای شکل‌دهی نقاشی کودکان قرار می‌دهند.
 - ۴- نگرش‌های رشد‌مدارانه نقاشی را بیان مستقیم مفاهیم دانسته و بر اساس رشد کودکان آن را تفسیر می‌کنند.
- در اینجا تمرکز بر نگرش رشد‌مدارانه است که جامع‌ترین طبقه‌بندی آن توسط لوکه^۲ بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۷ صورت گرفت. در این طبقه‌بندی نقاشی کودکان به چهاره دوره‌ی واقع‌گرایی تقسیم می‌شود:

- ۱- واقع‌گرایی تصادفی^۴
- این دوره حدوداً از هجده ماهگی تا سه سالگی کودک دیده می‌شود. او کنترلی بر روی ابزار خود نداشته و بی‌هدف خط خطی می‌کند و در میان خطوطی که کشیده است تصویری آشنا می‌یابد که به واقعیت شباهت دارد. آنگاه در ذهن خود نام آن شیء را بر آن تصویر می‌نهد (وزیرنیا و گنجی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳). به همین علت است که این دوره را واقع‌گرایی تصادفی می‌نامند.

- ۲- واقع‌گرایی ناقص^۵
- در فاصله‌ی سه تا پنج سالگی کودک کنترل خوبی بر ابزار کار خود پیدا کرده است و از طرفی می‌تواند اشکالی مشابه آن چه دیده است را ترسیم نماید، اما «در این مرحله کودک هنوز نمی‌تواند عناصر گوناگون یک تصویر را با یکدیگر در یک مجموعه‌ی هماهنگ قرار دهد» (همان، ص. ۲۳). نقاشی کودکان در این دوره‌ی سنی بیش از آن که بازنمایی دقیق از موضوع نقاشی شده باشد، جنبه‌ی نمادین دارد و به همین علت گاهی به آن واقع‌گرایی نمادین^۶ گفته‌اند (مراثی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۳).

- ۳- واقع‌گرایی فکری^۷
- از سن پنج تا هشت سالگی به تدریج تفکر او رشد کرده و درک عمومی تری از خود، اشیاء و محیط پیرامونش پیدا می‌کند. در واقع این دوره، دوره‌ی کشیدن جزئیات با تحلیل‌های ذهنی کودک است که به مرور کامل‌تر می‌شود. او واقعیات را آنچنان که یادگرفته است می‌کشد نه آنچنان که دیده می‌شود (توماس و سیلک، ۱۹۹۰، ص. ۵۸)، و حتی آن چه را که از دید او پنهان است ولی

1. Excel

2. Ideoplastic Art

3. G.H Luquet

4. Fortuitous Realism

5. Mangue Realism

6. Symbolic Realism

7. Intellctuel Realism

تبیین شباهت های ساختاری نقاشی خودآموختگان با نقاشی کودکان بر اساس رویکرد روانشناختی
 Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach

از وجودش آگاهی دارد را به تصویر می کشد. به همین دلیل است که در نقاشی های این دوره با پدیده ای به نام شفاف بینی^۱ رو به رو می شویم.

۴- واقع گرایی دیداری^۲

هر اندازه ادراک و فهم کودک از دنیای پیرامونش کامل تر شود، نقاشی های او نیز دارای جزئیات و هماهنگی بیشتری می شوند. «از حدود هشت سالگی واقع گرایی دیداری جانشین واقع گرایی فکری شده و کودک فقط بخش های مرئی موضوع را می کشد و از سوی دیگر کم کم اشیایی که دور تر هستند در نقاشی کوچک تر تصویر می شوند» (وزیرنیا و گنجی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳)، اما همچنان قوانین علم مناظر و مریا را رعایت نمی کند و این امر تا پیش از آن که آموزش های آکادمیک طراحی به او داده نشود به همین صورت باقی می ماند (توماس و سیلک، ۱۹۹۰، صص. ۴۵-۴۸).

هنر خودآموختگان به عنوان خالص ترین نوع بیان هنری که به دور از فشارهای فرهنگی و آموزشی شکل گرفته، مورد توجه واقع شده و دقیقاً به همین علت است که این آثار از هرگونه شگرد تکنیکی مبرا هستند و تظاهرات آن به عنوان یک واکنش سریع از طرف روح سازندگان آن و نمونه ی کاملی از اصالت هنری شمرده می شود. برای شناسایی هنر خودآموخته پیش از هر چیزی می بایست هنرمندان آن را شناخت. مطالعه ی زندگی نامه ی بیش از هفتاد هنرمند خودآموخته و آثارشان نشان می دهد که آن ها از جنبه های بسیاری به یکدیگر شباهت دارند که می توان آن ها را به عنوان مشخصه های هنرمندان خودآموخته در نظر گرفت. این مشخصه ها عبارت اند از:

- ۱- آن ها هیچ نوع آموزشی در زمینه ی نقاشی ندیده اند.
 - ۲- آن ها هیچ گاه برنامه ای از پیش تعیین شده برای هنرمند شدن ندارند.
 - ۳- آن ها معمولاً در سنین بالا و پس از یک اتفاق ناگوار و تکان دهنده آغاز به آفرینش هنری می کنند.
 - ۴- فرایند آفرینش است که برای آن ها اهمیت دارد و نه نتیجه ی کار.
 - ۵- آن ها از ابزارهای ساده، دم دستی و دورریختنی برای کارهایشان استفاده می کنند.
 - ۶- در بیشتر مواقع این افراد آثار خود را پنهان کرده و حتا گاهی پس از اتمام کار آن را از بین می برند.
 - ۷- آن ها به طور اتفاقی و توسط دیگر افراد، که معمولاً هنرمند هستند، کشف می شوند.
- علی رغم تفاوت های موجود و منحصر به فرد بودن، این آثار شباهت های بسیاری به یکدیگر دارند. نقاشی خودآموختگان بیش از همه به دوره ای از نقاشی کودکان شباهت دارد که از آن با عنوان «واقع گرایی فکری» یاد شد که تصاویر به صورت ذهنی کشیده می شوند. شباهت های موجود در این آثار را می توان در دو بخش تحلیل نمود: «شباهت های بیانگرانه» و «شباهت های ساختاری». نقاشی وسیله ی بیان است همچون خط و زبان با هدف برقراری ارتباط و هماهنگی میان دنیای بیرون و درون. آن چه بیش از هر چیز نقاشی های کودکان و خودآموختگان را به یکدیگر پیوند می دهند، در نوع بیان هنری آن ها نهفته است و آن چیزی نیست جز تخیل. «تخیلات و تصورات ذهنی خلاقانه و آزاد در فضایی خیالی شکل می گیرند و زمینه را برای درک سهل و ممتنع معنا فراهم می آورند. به این ترتیب آثار هنر فطری فاقد پیچیدگی های معمول در دیگر آثار هنری است و همین امر سبب برقراری مستقیم و سریع بیننده با این آثار می شود» (یاسینی، ۱۳۹۵، صص. ۴۲-۴۴).

اصطلاح تخیل در قلمرو روانشناسی، غالباً به تعیین ظرفیت فرد، در «بازپدیدآوری»^۳ رویدادها، خاطره ها و تصاویر اطلاق می شود که در مورد هر فرد، به تناسب ظرفیت اختراع او متفاوت است (کریمی، ۱۳۸۴، ص. ۸). پس تخیل در این جا، نوعی بازآفرینی، بسط دهی و بازپدیدآوری واقعیت، فراتر از آن چه هست می باشد (حسین نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۸۱).

هم کودک و هم هنرمند خودآموخته با به تصویر درآوردن دنیای ذهنی شان از واقعیت فاصله گرفته و در نتیجه اثرشان تخیلی است. میل به بروز محتویات ذهنی در قالب نقاشی و از سویی دیگر عدم شناخت شیوه ها و ابزار مختلف باعث می شود که تکنیک اجرا چندان

۱. Transparency

۲. Visual Realism

۳. Reproductivity

اهمیتی برای آن‌ها نداشته باشد. به این ترتیب ویژگی‌های بیانگرانه در این نقاشی‌ها با تکیه بر قوه‌ی تخیل، دنیایی متمایز از واقعیت پیش‌چشمان ما قرار می‌دهند و دریچه‌ای را بر روان فرد می‌گشایند.

خودآموختگان به دلیل سن شان تجربه‌های بیشتری دارند و به همین دلیل نقاشی‌های آن‌ها از نظر محتوایی با نقاشی کودکان تفاوت‌های زیادی دارد، اما در سازماندهی تصویری شیوه‌های مشابهی را به کار می‌گیرند. الگوهای مشترک ساختاری آن‌ها را می‌توان در نه مورد دسته‌بندی کرد:

۱- موضوع‌ها و شکل‌های تکرار شونده

تأکید بر یک موضوع و تکرار آن در تمام نقاشی‌ها که جنبه‌ای روانشناسانه دارد، یکی از ویژگی‌های بارز در این نقاشی‌ها است. «هنگامی که یک هنرمند خودآموخته به طور اتفاقی حالتی از تصاویر را پیدا می‌کند از کندوکاو آن با تغییرات تقریباً نامحدود خرسند می‌شود» (رکسر، ۲۰۰۵، ص. ۱۰۰). «برای کودک نیز تکرار یک شکل به دفعات زیاد احساس امنیت بوجود می‌آورد» (فراری، ۲۰۱۲، ص. ۶۴)، بنابر این آن‌ها با تمرکز بر شکل‌های مشخص و تکرار نمودن آن علاوه بر آرامش به مهارتی نیز در ترسیم آن موضوع دست پیدا می‌کنند که موجب رضایت خاطر آن‌ها می‌شود.

۲- ساده کردن شکل‌ها و زاویه دید مرسوم

در این دسته از آثار، فرم‌ها و اشکال مورد طراحی، به سطوح مشخص هندسی و غیر هندسی، ساده شده و به صورت کاملاً آشکار و واضح، به بیانی ساده و خلاصه دست می‌یابند (حسین‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۲). هم‌زمان با ساده‌سازی شکل‌ها بسیاری از آن‌ها در جهت مرسوم تصویر شده‌اند، بدین معنا که حیوان‌ها و ماشین‌ها از جهت نیم رخ و انسان‌ها از روبه‌رو کشیده می‌شوند.

۳- عدم رعایت عمق‌نمایی

از آن جهت که هنرمند خودآموخته و کودک آموزشی در زمینه‌ی قوانین عمق‌نمایی ندیده‌اند، سایه‌روشن، کوچک شدن اشیاء، پشت هم قرار گرفتن و پنهان ماندن بخشی از شکل‌ها و سایر اصول عمق‌نمایی در آثار آن‌ها به ندرت دیده می‌شود. تنها راهکار آن‌ها این است که آن‌چه نزدیک‌تر است در پایین صفحه و آن‌چه دورتر است را در بالای صفحه می‌کشند. در نقاشی آن‌ها کوچکی و بزرگی اشکال لزوماً دلیلی بر دوری و نزدیکی آن‌ها نیست، بلکه اهمیت آن‌ها را نشان می‌دهد.

۴- ترسیم واژگونه‌ی شکل‌ها

اغلب وقتی کودک می‌خواهد کوچه‌ای را با تمام خانه‌هایی که در آن واقع است نشان بدهد، بعد از ترسیم خانه‌هایی که در مقابل او هستند، کاغذ را بر می‌گرداند و طرف دیگر آن خانه‌هایی که در پشت سر او قرار دارند رسم می‌کند (فراری، ۲۰۱۲، ص. ۴۹)، گویی شکل‌ها وارونه یا واژگونه شده‌اند. این نوع زاویه دید و درک فضایی برخلاف گفته‌ی فراری که آن را مختص کودکان دانسته، در آثار نقاشان خودآموخته هم دیده می‌شود و به این دلیل روی می‌دهد که آن‌ها خود را درون موضوع تصور می‌کنند و محدود به زاویه دیدی خارج از سوژه نیستند.

۵- شفاف بینی

شفاف بینی یکی از خصوصیات دوره‌ی واقع‌گرایی فکری که در آن کودک چیزی را که به آن آگاه است می‌کشد و نه آن‌چه را که می‌بیند. مشابه این نگاه در نقاشی‌های خودآموختگان نیز دیده می‌شود. در این شیوه شخص به طور همزمان بیرون و درون اشیاء و اشخاص را به تصویر می‌کشد. البته این امر تنها محدود به نمایش محتویات درونی نبوده، بلکه شامل تمامی بخش‌های تصویر نیز می‌شود، به این صورت که قسمت‌های مختلف و پنهان از دید، به وضوح در تصویر دیده می‌شوند.

۶- دورگیری شکل‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک دورگیری یا خطوط کناره‌های شکل‌ها است برای این که فرم‌ها و شکل‌هایی که دارای اهمیت هستند را به خوبی مشخص سازند. بنابر این چه ابتدای کار، چه در حین انجام کار و یا در انتهای کار بر خطوط کناره‌ی شکل‌ها تأکید می‌کنند. این دورگیری‌ها یا با رنگ‌های تیره برای شکل‌های روشن و یا با رنگ‌های روشن برای شکل‌های تیره انجام می‌شود.

۷- ترسیم آدمک


انسان‌ها یا آدمک‌ها یکی از سوژه‌های با اهمیت و تکرار شونده در این آثار هستند. در نحوه‌ی ترسیم آن‌ها تفاوت‌چندانی وجود ندارد، اما در جزئیات نشانه‌هایی از شخص مورد نظر دیده می‌شود. در ترسیم آدمک‌الگوهای مشخص و مشابهی در هر دو گروه دیده می‌شود. آدمک‌هایی که هنرمندان خودآموخته می‌کشند بیشترین شباهت را به آدمک‌هایی دارد که کودکان پس از سنین شش‌سالگی

تبیین شباهت های ساختاری نقاشی خودآموختگان با نقاشی کودکان بر اساس رویکرد روانشناختی

Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach

ترسیم می کنند. آن ها علاوه بر اندام و فرم های ساده شده ی بدن در نحوه ی ایستادن و قرار گیری از رو به رو، زاویه ی پاها و حالت دست ها هم شکل هستند.

جدول ۱: ویژگی های مشترک ساختاری در نقاشی کودکان و خودآموختگان

ردیف	ویژگی های مشترک	نقاشی کودکان	نقاشی خودآموختگان
۱	موضوع ها و شکل های تکرار شونده		
۲	ساده کردن شکل ها و زاویه دید مرسوم		
۳	عدم رعایت عمق نمایی		
۴	ترسیم واژگونه ی شکل ها		
۵	شفاف بینی		
۶	دورگیری شکل ها		
۷	ترسیم آدمک		
۸	ترسیم نیم رخ		
۹	انتخاب و نحوه ی رنگ گذاری		

۸- ترسیم نیم رخ:

نمایش حرکت در نقاشی، به عوامل عاطفی، فرهنگی و یا به استعداد، مهارت و خلاقیت کودک بستگی دارد. در این آثار بعضی از اندام ها در حالت نیم رخ و دیگر اندام ها از روبه رو نمایش داده می شود به عنوان مثال از نظر کودک نمایش تصویر به حالت نیم رخ ممکن است با تغییر جهت بینی به طرف چپ و بدون تغییر جهت چشم ها و دهان و یا با حذف یک چشم و قرار دادن چشم دیگر در مرکز چهره، صورت بگیرد (فراری، ۲۰۱۲، ص. ۴۰ و ۳۸). حال اگر به نقاشی های خودآموختگان توجه کنیم خواهیم دید که آن ها نیز به همین صورت نیمرخ را ترسیم و از آن برای نشان دادن جهت حرکت استفاده می نمایند.

۹- انتخاب و نحوه ی رنگ گذاری

کودکان و خودآموختگان در انتخاب رنگ از دو روش استفاده می کنند: اول بر اساس شبیه سازی طبیعی و دوم به صورت حسی. آن ها در بسیاری از موارد کاملاً حسی عمل می نمایند و بر جنبه ی تزئینی رنگ توجه دارند. در نقاشی هر دو گروه هیچ گاه از رنگ برای نمایش دوری و نزدیکی استفاده نمی شود و رنگ ها بدون سایه روشن و تخت هستند. از سوی دیگر رنگ ها ترکیب نشده و هر رنگ در خالص ترین شکل خود مورد استفاده قرار می گیرد.

ویژگی های مشترک نه گانه ی ساختاری نشان می دهند که تا چه اندازه برخورد یک کودک و یک نقاش خودآموخته با امر نقاشی مشابه یکدیگر است. برای درک بهتر، تمامی موارد ذکر شده همراه نمونه هایی از هر دو گروه در جدول ۱ آورده شده و همچنین نمودار میزان فراوانی این شباهت ها از داده های بدست آمده در تصویر ۱ مشخص شده است. منحنی انطباق این شباهت ها در تصویر ۲ نشان می دهد که در کدام بخش ها همپوشانی دارند.

مشاهده ی شباهت های آشکار میان نقاشی کودکان و خودآموختگان این پرسش را پیش می کشد که چگونه ممکن است ذهن یک کودک هفت ساله با یک فرد هفتاد ساله در هنگام نقاشی عملکرد یکسانی را از خود نشان دهد؟ این امر با طبقه بندی مراحل رشد که پایان آن را سنین نوجوانی دانسته و نقاشی های این دوره را همراه با واقع گرایی دیداری می داند، مغایرت دارد. در چنین حالتی یک فرد بزرگسال می بایست از دیدی واقع گرایانه برخوردار باشد و با تکیه بر آن چه می بیند نقاشی کند.

مسأله ای که در طبقه بندی های مرحله ای از جمله طبقه بندی رشد مدارانه ی لوکه دیده می شود، پرده ی ابهامی است که آن ها در مقابل پیوستگی تکامل می کشد، همان طور که نمی توان به درستی گفت که چه زمان یک مرحله پایان یافته و مرحله ی بعدی آغاز می شود و همه ی کودکان بر طبق یک الگوی مشخص این مراحل را طی نمی کنند. همبلن^۱ در پژوهش های خود به جای ارجاع دادن ارتباط میان هنر کودکان و بزرگسالان به مراحل رشد، آن ها را به انتخاب های فرد مربوط می داند که دامنه ی گسترده ای از موقعیت های فراهم شده ای هستند که حاصل زمان، تجربه ی زندگی و مهارت های کسب شده اند (همبلن، ۱۹۸۵).

در هر سن و هر زمان که فردی نقاشی بکشد محدود به آخرین مرحله ی رشد یا آخرین فرایند تکاملی موجود نیست، بلکه فهرستی از آن چه در ذهنش موجود است را برای انتخاب در دست دارد. به این ترتیب وقتی که با بالاتر رفتن سن زبان های تصویری در ذهن اندوخته می شوند، آن چه که قدیمی تر است پاک نشده و بر اندوخته های پیشین افزوده می شود. نقاشی های هنرمندان خودآموخته بر زنده بودن روح کنجکاو و بازیگوشی کودکانه ی آن ها دلالت دارد.

این شباهت ها می توانند ارتباط مستقیمی با نئوتنی^۲ داشته باشد. اصطلاح نئوتنی ریشه یونانی دارد و به معنی «کشش جوانی» است (گیلز، ۲۰۱۶) که از نظر رفتاری به صورت بازی بروز می کند و در اصل بخشی ساختار انطباقی انسان می شود (آچراتی، ۲۰۱۴). لئو^۳ (۲۰۱۶) ابعاد روانشناختی نئوتنی را در چهار مورد مشخص عنوان می کند: یادگیری، سرزندگی، مهار نشدن^۴ و توانایی. مهار نشدن به توانایی فرد برای رفتار و بیان آزادانه ی خود و بدون توجه به قضاوت دیگران، اشاره دارد (مریام-وبستر کولگیت دیکشنری، ۱۹۹۴). پژوهش ها نشان می دهد که دو نوع سالخورده گی وجود دارد: سالخورده گی معمول و سالخورده گی موفق. در سالخورده گی موفق نشانه هایی از نئوتنی مشاهده می شود.

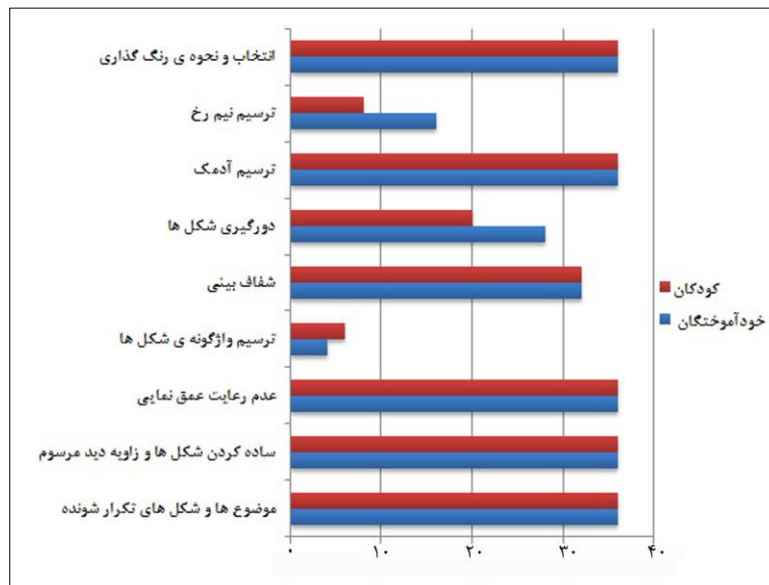
۱. Hamblen

۲. Neoteny

۳. Leo

۴. Uninhibitedness

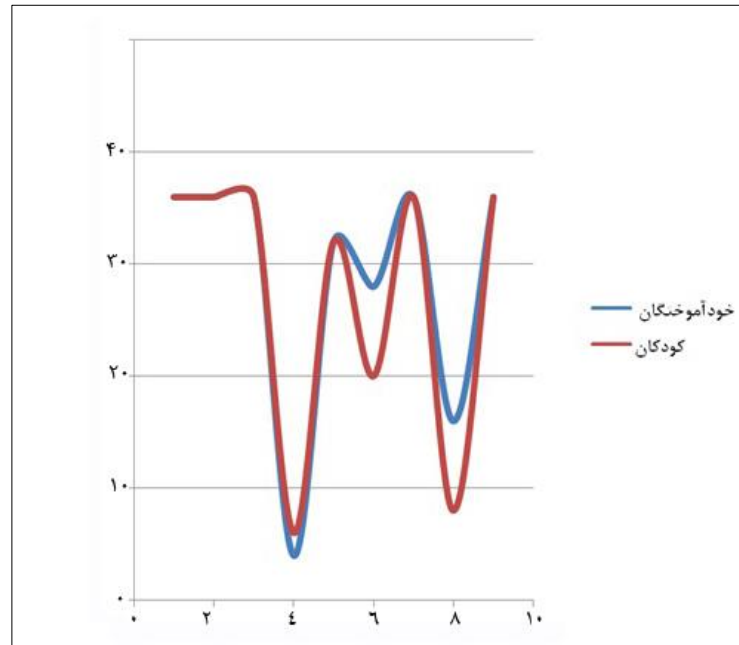
Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach



تصویر ۱: نمودار میزان فراوانی شباهت های موجود در نقاشی کودکان و

خودآموختگان

(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲: نمودار منحنی انطباق شباهت های نقاشی کودکان و خودآموختگان

(مأخذ: نگارندگان)

در همین راستا مونتاگو^۱ توصیف می کند که در سالخوردگی موفق علاوه بر این که بدن فرد به دلیل تغذیه و سبک زندگی از نظر فیزیکی مشکلات کمتری دارد، از نظر رفتاری هم دارای این خصوصیات است: حساسیت، برنامه ریزی، کنجکاوی، شگفتی، بازیگوشی، تخیل، خلاقیت، روشن فکری، انعطاف پذیری، دلسوزی، ذهن تجربه گر، جستجوگری، اشتیاق، شوخ طبعی، خرسندی، ترانه خوانی و رقص (مونتاگو، ۱۹۸۹). در مجموع این افراد تکانشی، خودجوش، بازیگوش و سرکش هستند که غالباً برخلاف عرف اجتماعی رفتار می کنند. آن ها همچنین ذهنی کنجکاو، باز، خلاق و تخیلی دارند (لئو، ۲۰۱۶)، البته سن و سال و جنسیت ارتباطی با نئوتنی ندارد (بنتی - لانجینگ، ۲۰۱۸). فلامنری^۲ در پژوهش های خود نشان می دهد که هنر باعث بیشتر شدن نئوتنی در افراد می گردد. او اشاره می کند که هنرمندان و کسانی که مانند آنان فکر می کنند، موفق شده اند تا بر خلاف الگوی اجتماعی از بزرگسالی معمول بر پایه ی مراحل خطی رشد، صفات کودکی خود را حفظ نمایند (فلامنری، ۱۹۸۶).

از آن روی که نقاشی ارتباط مستقیمی با خلاقیت، کنجکاوی، تخیل و سایر مواردی موجود در نئوتنی دارد، بنابر این شروع نقاشی در سالخوردگی را می توان نمود کاملی از نئوتنی دانست که منجر به بروز همان خصوصیات می شود که در نقاشی کودکان نیز وجود دارد. از سوی دیگر این میزان از شباهت نقاشی های خودآموختگان به کودکان، طبقه بندی خطی مراحل رشد انسان را به طور کامل نقض کرده و نشان می دهد که انسان در سالخوردگی نیز با همان نگاه فطری که در کودکی داشته و به دور از چارچوب های منطقی و عقلانی نقاشی می کشد.

بحث و نتیجه گیری

نقاشی به عنوان خالص ترین نوع بیان هنری است که صرف نظر از دانش و توانایی فنی در دسترس همه قرار دارد و راهی برای بیان احساسات است. نقاشی ها بعد غیر قابل انکار روانشناختی دارند چرا که این فرم از بیان برای آفرینندگان آن بسیار ضروری است. نقاشی های کودکان و خودآموختگان شباهت های بیانگرانه و ساختاری با یکدیگر دارند که عامل اصلی ای آن علاوه بر این که هر دو گروه فاقد آموزش های رسمی هستند، ارتباط مستقیمی با نحوه ی پرداخت به موضوع دارد. آن ها به صورت ذهنی انجام کار می کنند و به همین علت عنصر تخیل به عنوان عامل مشترک بیان هنری این آثار بعدی غیر قابل انکار دارد.

در اصل می توان گفت این عملکرد فطری که از کودکی وجود دارد که ذهن و قوای تخیل به صورت طبیعی تجربیات دیداری را به شکل تصاویری ساده و در کامل ترین حالتشان ثبت نموده و هنگامی که فرد بخواهد چیزی را به صورت ذهنی ترسیم کند به طور ناخودآگاه آن را به صورت همان کد های تصویری ذخیره شده در ذهن می کشد. نقاشی خودآموختگان که در دوران سالخوردگی شروع به کشیدن آن می کنند، در واقع نمودی از نئوتنی یا بازگشت دوباره به کودکی است و نشان دهنه ی دایره وار بودن مراحل رشد انسان است. با سالخوردگی موفق، شور و شوق دوران کودکی و حس کنجکاوانه دوباره زنده می شود و فرد رفتاری هایی همانند یک کودک را از خود بروز می دهد و نقاشی یکی از این رفتارها است و لذتی که از این کار حاصل می شود به فرد نیرو و انرژی می دهد تا این عمل را به صورت غیر قابل تصویری تکرار نماید. حال این که نئوتنی یا کشش جوانی در یک هنرمند خودآموخته او را تا چه سنی از کودکی اش به عقب باز می گرداند امری است که به انتخاب فرد از میان اندوخته هایش و نحوه ی پرداخت ذهنی او بستگی دارد. نقاشی های یک هنرمند خودآموخته ممکن است شباهت بسیاری به کودکی چهارساله داشته باشد و دیگری به کودکی ده ساله، اما آنچه مسلم است این است که آن ها با کودک درون خود نقاشی می کنند.

منابع

- تقی پور، آرزو (۱۳۹۴). *تحلیل آثار هنرهای تجسمی هنرمندان عضو انجمن هنرمندان خودآموخته ی ایران*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد، تهران.
- توماس، گلین. وی و سیلک، آنجل. ام. جی. (۱۹۹۰)، *مقدمه ای بر روانشناسی نقاشی کودکان* (ترجمه محمد تقی فرامرزی). تهران: دبای نو. (۱۳۹۰).
- حسین نژاد، زهرا (۱۳۹۱). *کشف و تبیین ویژگی های مشترک آثار نگارگری ایرانی و نقاشی کودکان*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد، تهران.

¹. Montagu

². Flannery

Explain the structural similarities of self-taught painting with children's painting by the psychological approach

- داغمه چی، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی آثار خانم مکرمه قنبری از دیدگاه تصویرسازی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد، تهران.
- طهماسبی، نرگس (۱۳۹۵). بررسی هنر خام و زیر مجموعه های آن (هنر بدوی، هنر عامیانه، هنر کودکان...)، به همراه گزیده ای از آثار هنرمندان خود آموخته ایرانی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه هنر، تهران.
- فراری، آنا اولیور (۲۰۱۲). نقاشی کودکان و مفاهیم آن (ترجمه عبدالرضا صرافان). تهران: انتشارات داستان. (۱۳۹۸).
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). تخیل و مکانیسم آن در کودکان. ماهنامه روشن، ۱۳۸۴، (۲)، ۷-۹.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۲). مطالعه ی تحلیلی آثار هنرمندان خودآموخته (مطالعه ی موردی: مکرمه قنبری و کنیز عباس پناه). (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مراثی، محسن (۱۳۷۵). نقاشی کودکان را بشناسیم. پیوند، تابستان ۱۳۷۵، ۱۱۰-۱۱۵.
- مرزبان، پرویز (۱۳۹۶). خلاصه تاریخ هنر. تهران: علمی فرهنگی.
- میرزایی، پدram (۱۳۹۳). بررسی نقاشی های مکرمه قنبری بر اساس روش آیکونولوژی اروین پانوفسکی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، رشت.
- وزیرنیا، سیما و گنجی، طاهره (۱۳۸۰). نقاشی کودک. تهران: نشر قطره.
- یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۵). هنر خودآموختگان هنر فطری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- Achrati, A. (2014). Neoteny, female hominin and cognitive evolution. *Rock Art Research*, 31(2), 232-238.
- Benetti-Longhini, Cara Deanna. (2018). *Psychological Neoteny in Relation to Age and Gender* (Master's thesis). University of Johannesburg .
- Cardinal, R. (2009). Outsider Art and the autistic creator. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 364(1522), 1459-1466 .
- Dubuffet, J. (1973). *L'homme du commun à l'ouvrage*. Paris: Editions Gallimard.
- Flannery, M. (1986). Art as a neotenizing influence on human development. *Visual Arts Research*, 34-40 .
- Gallese, V. (2016). Neoteny and social cognition: A neuroscientific perspective on embodiment. In C. Durt, T. Fuchs, & C. Tewes (Eds.), *Embodiment, enaction and culture*. MIT Press, in press.
- Hamblen, K. A. (1985). Artistic development as a process of universal-relative selection possibilities. *Visual Arts Research*, 69-83 .
- Leo, L. (2016). *The construction and validation of a neoteny personality questionnaire* (Doctoral dissertation). University of Johannesburg, South Africa.
- Merriam-Webster's collegiate dictionary. (2004). Springfield, MA: Merriam-Webster (11th ed).
- Montagu, A. (1989). *Growing young*. U.S: Greenwood Publishing Group.
- Rexer, L. (2005). *How to look at outsider art*. New York: Harry N. Abrams.